



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر

تحلیل صفات زیبا شناختی از دیدگاه فرانک سیبلی

محمد صادق کاشفی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر احمدی افرمجانی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر مازیار

شهریور ۱۳۹۰

تقدیم به همسر مهربانم

با تشکر فراوان از استاد گرانقدر

جناب آقای دکتر احمدی افرمجان

فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: تحلیل صفات زیباشناختی از دیدگاه فرانک سیلی		
نویسنده: محمد صادق کاشفی		
مترجم:		
استاد راهنما: جناب آقای دکتر احمدی افرمجانی استاد مشاور/ استاد داور: جناب آقای دکتر مازیار / جناب آقای دکتر امیر نصری		
کتابنامه:	واژه نامه:	
نوع پایان نامه:	با <input checked="" type="checkbox"/> توسعه <input type="checkbox"/> کار <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۸۹-۹۰	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی	دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۱۲۹	گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه ها به زبان فارسی: مفاهیم زیبایی شناختی، ذوق، عینیت		
Aesthetic concepts, Taste, Objectivity		کلید واژه ها به زبان انگلیسی:

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): فرانک سیبلی یکی از زیبایی شناسان برجسته ی سنت فلسفه ی تحلیلی است. مهمترین اثر وی مقاله ی «مفاهیم زیباشناختی» است که در آن به معرفی و تحلیل مفاهیم و صفات زیباشناختی می پردازد. علی رغم اهمیت اندیشه ی سیبلی در زیبایی شناسی تحلیلی، در ایران به جز چند ترجمه ی مختصر، متنی پژوهشی در باب آرای سیبلی در دست نیست. تحقیق حاضر سعی داشته تا با تکیه بر آثار سیبلی به معرفی تحلیل سیبلی از مفاهیم و صفات زیباشناختی به خوانندگان فارسی زبان بپردازد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چهار چوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها: منابع محوری در این تحقیق عبارتند از چهار مقاله ی «مفاهیم زیباشناختی»، «زیباشناختی و نازیباشناختی»، «رنگها» و «عینیت و زیبایی شناسی» به قلم سیبلی و یه زیان انگلیسی. بررسی ماهیت مفاهیم، صفات و احکام زیباشناختی و نیز بررسی جایگاه ذوق در اندیشه ی سیبلی، پرسش های اصلی این تحقیق را شکل می دهند.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه ی مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه ی اجرای آن، شیوه ی گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها: مفاهیمی که ما هنگام سخن گفتن درباره ی آثار هنری، به آنها نسبت می دهیم از دو نوع متفاوت هستند. دسته ای از آنها مانند قرمز، مربع و باهوش را فقط به وسیله ی حواس و هوش سالم، تشخیص می دهیم و به کار می بریم. اما دسته ای دیگر مانند لطیف، متعادل، آرام و متین را به کمک به کاربردن یا پروراندن توانایی یا قابلیت دیگری به نام ذوق، تشخیص می دهیم و به کار می بریم. دسته ی اول، صفات نازیباشناختی و دسته ی دوم صفات زیباشناختی هستند.

ت: یافته های تحقیق: صفاتی که ما به چیزها نسبت می دهیم از دو نوع متفاوتند. دسته ای از آنها را به کمک حواس ادراکی و هوش معمولی، تشخیص می دهیم مانند قرمز و مربع. تشخیص دسته ای دیگر مانند پویا، متعادل و لطیف علاوه بر حواس ادراکی و هوش معمولی، نیازمند به کار بردن ذوق، حساسیت یا ادراک زیباشناختی است. دسته ی اول صفات و کیفیاتی نازیباشناختی و دسته ی دوم کیفیاتی زیباشناختی هستند. کیفیاتی زیباشناختی را نمی توان از کیفیاتی نازیباشناختی، استنتاج کرد. بنابراین این کیفیاتی، کیفیاتی ادراکی هستند و لذا ذوق قابلیت ادراکی است که می تواند توسط روش هایی پرورش یابد. ذوق پایه ای طبیعی دارد: واکنش هایی غریزی به شباهت و پدیده های طبیعی که بدون این پایه ی طبیعی و نهادی، آموزش زیباشناختی ممکن نبود. ادراکی بودن صفات زیباشناختی، برابر با غیر اثباتی بودن احکام زیباشناختی نیست و می توان اثباتی ادراکی و غیر استنتاجی برای آنها فراهم کرد. رنگها کیفیاتی عینی هستند. شرط لازم برای عینیت آنها وجود نوعی «اثبات نهایی» است. چنین اثباتی را، با اتکا به اثبات ادراکی، می توان برای کیفیاتی زیباشناختی نیز فراهم کرد. بنابراین کیفیاتی زیباشناختی نیز کیفیاتی عینی هستند و ذوق یا ادراک زیباشناختی، برابر با سلیقه ی شخصی نیست؛ یکی از قابلیت های آگاهی و کنش نوع انسانی است.

ث: نتیجه گیری و پیشنهادات:

سیبلی با طرح مسئله ی تمایز زیباشناختی/نازیباشناختی و ذوق و بسط آن در چهار مقاله، سعی کرده است به ما نشان دهد چیزهای جهان علاوه بر وجوه علمی و فلسفی، واجد وجوه، ابعاد، صفات یا ویژگی های زیباشناختی "قابل کاویدن" و "قابل بررسی" نیز هستند. جهان، علاوه بر این که علمی و مطابق قوانین فیزیک است، زیباشناختی است و مطابق قوانین زیباشناختی.

آثار سیبلی به زیبایی شناسی جانی دویاره یخشیدند و حوزه ی موضوعاتی را که زیبایی شناسی می تواند به آن بپردازد گسترش دادند. تحقیق حاضر مختص به یخشی از کار سیبلی است و هنوز بخش وسیعی از سرزمین اندیشه ی وی برای ما ناشناخته است. نگارنده امیدوار است که این تحقیق، تحقیق های دیگری را دریاره ی آرا و اندیشه های سیبلی برانگیزاند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در این فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

چکیده

«فرانک سیبلی» یکی از زیبایی شناسان برجسته ی سنتِ فلسفه ی تحلیلی است. او در فضای فکری آکسفورد پس از جنگ جهانی دوم، زیر نظر متفکرانی مانند گیلبرت رایل و جان آستین، پرورش یافت و متدهای فلسفه ی زبان روزمره را در تبیین مسائل حوزه ی زیبایی شناسی، به کار بست. نتیجه ی هم آغوشی این متدها و خلاقیت و ابتکار ذهن وی، بیش از همه جا در مقاله ی «اصیل» و «بنیان برافکن» «مفاهیم زیباشناختی» متبلور شده است. وی در این مقاله، مقوله ی «صفات زیباشناختی» را برای نخستین بار مطرح و وارد ادبیات زیبایی شناسی تحلیلی می کند و در ادامه ی کار فکری خود سعی می کند در مقالاتی متعدد، به ارائه ی رهیافت اصیل و بدیع خود در خصوص مفاهیمی چون «ذوق»، «عینیت»، «احکام زیباشناختی» و «اثبات و استدلال در زیبایی شناسی» مبادرت ورزد. اهمیت رهیافت اصیل سیبلی را می توان در اصالت، دقت بسیار زیاد و نیز هجمه ای از دیدگاه های موافق و مخالفی دانست که مقالات وی و به طور خاص «مفاهیم زیباشناختی»، برانگیختند و هنوز بر می انگیزانند.

دستاورد اصلی و بدیع سیبلی در زیبایی شناسی، معرفی و تحلیل مفاهیم و ویژگی های زیباشناختی است. در تحقیق پیش رو سعی شده است، تحلیل سیبلی از مفاهیم و ویژگی های زیباشناختی به خوانندگان فارسی زبان معرفی شود. روش به کار رفته در تحقیق حاضر، مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و تاکید بر ادبیات خاص سیبلی در طرح مسائل حوزه ی زیبایی شناسی است. تحقیق حاضر در پایان سعی داشته، تا به چالش ها و پویش های مسائل اصیل حوزه ی زیبایی شناسی تحلیلی چون «ذوق»، «عینیت»، و «جایگاه زیبایی شناسی در میان انواع علوم»، از منظر رهیافت بدیع سیبلی نگاه کند و نشان دهد که چگونه می توان با اهتمام به آرای سیبلی در باب مفاهیم مذکور، بار دیگر به بازاندیشی انتقادی تاریخ زیبایی شناسی پرداخت.

واژگان کلیدی

مفاهیم زیباشناختی، ذوق، عینیت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۴	فصل اول: زندگی، آثار و پیشینه.....
۵	۱-۱) زندگی نامه.....
۸	۱-۲) آثار.....
۱۳	۱-۳) پیشینه ی فلسفی.....
۱۸	فصل دوم: تحلیل مفاهیم زیباشناختی.....
۱۹	۲-۱) معرفی مفاهیم زیباشناختی.....
۲۰	۲-۱-۱) تمایز زیباشناختی / نازیباشناختی.....
۲۲	۲-۱-۲) توجیه تمایز.....
۳۱	۲-۱-۳) حوزه ی زیبایی شناسی.....
۳۵	۲-۱-۴) مفاهیم زیباشناختی استعاره نیستند.....
۳۸	۲-۱-۵) مفاهیم زیباشناختی وابسته هستند.....
۴۱	۲-۲) مفاهیم زیباشناختی و ادراک زیباشناختی.....
۴۲	۲-۲-۱) به دنبال چه هستیم؟.....
۴۵	۲-۲-۲) مفاهیم زیباشناختی مشروط و قاعده مند نیستند.....
۵۶	۲-۲-۳) مفاهیم زیباشناختی، کیفیاتی ادراکی اند.....
۵۹	۲-۲-۴) چه نوعی از ادراک؟.....
۶۰	۲-۲-۵) آموزش زیباشناختی.....

- ۶۳.....۲-۲-۶) متد های آموزش زیباشناختی.....
- ۶۷.....۲-۲-۷) توجیه متدها: واکنش های زیباشناختی.....
- ۷۴.....۲-۲-۸) ذوق با چه چیزی سروکار دارد؟.....
- ۷۶.....۲-۳) اثبات، استدلال، و احکام زیباشناختی.....
- ۷۷.....۲-۳-۱) به دنبال چه هستیم؟.....
- ۷۸.....۲-۳-۲) رابطه ی میان دو نوع ویژگی ها.....
- ۸۰.....۲-۳-۳) دو فعالیت انتقادی : اثبات و استدلال.....
- ۸۵.....۲-۴) عینیت و زیبایی شناسی.....
- ۸۶.....۲-۴-۱) به دنبال چه هستیم؟.....
- ۸۹.....۲-۴-۲) روش سیبلی در بحث از عینیت.....
- ۹۰.....۲-۴-۳) عینیت و رنگها.....
- ۹۸.....۲-۴-۵) ذهنیت و زیبایی شناسی.....
- ۱۰۲.....۲-۴-۶) عینیت و زیبایی شناسی.....
- ۱۰۴.....۲-۳-۴) اثبات نهایی.....
- ۱۰۷.....فصل سوم: سیبلی بعد از سیبلی.....
- ۱۰۸.....3-1) به دنبال چه هستیم؟.....
- ۱۰۹.....3-2) بررسی ابعاد گوناگون تاثیر آموزه های سیبلی.....
- ۱۲۱.....جمع بندی و نتیجه گیری.....
- ۱۲۶.....منابع و مآخذ.....
- ۱۲۶.....(۱) منابع و مآخذ فارسی.....

١٢٦.....منابع و مأخذ لاتين (٢)

١٢٩.....**Abstract**

مقدمه

«صدای بنان مخملی است»، «تار جلیل شهناز شیرین است»، «ربنای شجریان تاثر برانگیز». اینها جملاتی هستند که بارها و بارها در گفتگوهای معمولی و روزمره ی خودمان، شنیده ایم و بارها و بارها در صدای استاد بنان، استاد شجریان و صدای تار شهناز، آنها را حس کرده ایم. در اصطلاح شناسی سیبلی، جملات مذکور احکامی زیباشناختی هستند و صفاتی چون «مخملی»، «شیرین» و «تاثربرانگیز» صفاتی زیباشناختی.

اما ما چگونه متوجه شدیم، یا دریافتیم که «صدای بنان مخملی است» یا «تار شهناز شیرین است»؟ ما تاثربرانگیزی ربا و مخملی بودن صدای بنان را استنتاج می کنیم یا ادراک؟ آیا صدای بنان واقعا مخملی است یا اینها، صرفا نظراتی شخصی هستند؟ آیا می توان صحت و سقم این احکام را تعیین کرد؟ آیا می توان آنها را اثبات کرد؟ آیا می توان به دیگران یاد داد درباره ی چیزها چنین جملاتی بگویند؟ نسبت این جملات با زیبایی شناسی چیست؟

سیبلی نخستین کسی است که به چنین جملاتی اشاره کرد، این پرسش ها را درباره ی آنها مطرح نمود و به آنها در چهار مقاله پاسخ داد: «مفاهیم زیباشناختی»، «زیباشناختی و نازیباشناختی»، «رنگها» و «عینیت و زیبایی شناسی». موضوع نوشتار پیش رو به همین سادگیست: تحلیل این صفات و این احکام.

«فرانک سیبلی»، یکی از مهم ترین زیبایی شناسان عرصه ی فلسفه ی تحلیلی است. آثار او تاثیری شگرف بر زیبایی شناسی تحلیلی معاصر گذاشته اند و در این میان اهمیت و تاثر مقاله ی «مفاهیم زیباشناختی» از همه برجسته تر است. تقریبا در هر مقاله ای، که در آن نامی از سیبلی و «مفاهیم زیباشناختی» برده شده است، به اهمیت و تاثر برجسته ی آن نیز اشاره شده است: کوک تاکید می کند

که « بدون هیچ شک و شبهه ای، فرانک سیبلی را باید یکی از کسانی دانست که کمک کرده اند تا زیبایی شناسی دوباره سلامت و اعتبار عقلانی خود را به عنوان حوزه ای درخور پژوهش های فلسفی، بدست آورد» (Cooke, 2005, p105) و دوست و همکار سیبلی « کالین لایس می گوید تاثیر و نفوذ سیبلی را بیش از هرچیز، می توان در پذیرش یا شرح عبارات «مفاهیم زیباشناختی» مشاهده نمود» (Cooke, 2005, 115). پیتر کیوی و تد کوهن «مفاهیم زیباشناختی» را مقاله ای «عمیقاً تاثیرگذار» می خوانند. (Cohen, 1973, p113؛ Kivy, 1979, p 423) گری استهل، قبل از نقد وی، اذعان می کند که «در مباحث اخیر درباب مسائلی که با توصیفات زیباشناختی سروکار دارند، هیچ اثری به اندازه ی مقاله ی [مفاهیم زیباشناختی] فرانک سیبلی، هوشمندانه و تاثیرگذار نبوده است» (Stahl, 1971, p385) و مسکین می گوید «[...] مفاهیم زیباشناختی را باید یکی از مهمترین مقالاتی دانست، که در پنجاه سال گذشته به رشته ی تحریر در آمده است». (Meskin, 2004, p90)

علی رغم اهمیت فراوان زیبایی شناسی سیبلی و به طور خاص مقاله ی «مفاهیم زیباشناختی» در زیبایی شناسی تحلیلی، در ایران، به غیر از چند ترجمه ی مختصر، (هنفلینگ، اسوالد. (۱۳۷۷). *چیستی هنر*. ترجمه علی رامین. تهران: هرمس؛ لوینسن، جرولد. و گایر، پل. (۱۳۸۷). *زیبایی شناسی فلسفی و تاریخ زیبایی شناسی جدید*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر؛ *دانشنامه ی زیبایی شناسی*. (۱۳۸۴) ویراسته ی بریس گات، دومینیک مک آیور لوپس. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی و سایرین. تهران: فرهنگستان هنر.) متنی که به طور مفصل به معرفی دستکم آثار اصلی او پرداخته باشد، وجود ندارد.

هدف این رساله، معرفی دستاورد اصلی سیبلی در زیبایی شناسی، به خوانندگان فارسی زبان است: معرفی و تحلیل مفاهیم زیباشناختی. منابع اصلی و محوری مباحث مطرح شده در این رساله، مقاله ی «مفاهیم زیباشناختی»، و سه مقاله ی «زیباشناختی و نازیباشناختی»، «رنگها» و «عینیت و زیبایی شناسی»

به زبان انگلیسی هستند که در کنار هم بخش اول و اصلی کار سیبلی در زیبایی شناسی را شکل می دهند.

نوشتار حاضر، در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول، شرحی از زندگی، آثار و پیشینه ی فلسفی اندیشه ی سیبلی، ارائه خواهد شد. فصل دوم در چهار بخش به تحلیل مفاهیم زیباشناختی اختصاص دارد. در بخش اول مفاهیم زیباشناختی معرفی می شوند و تمایز آنها با مفاهیم نازیشناختی تبیین می شود. در بخش دوم، ماهیت غیر شرطی، غیر استنتاجی و ادراکی مفاهیم و احکام زیباشناختی، مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. در بخش سوم، جایگاه «اثبات و استدلال» در احکام زیباشناختی بررسی می شود و در بخش چهارم، به بررسی عینیت در احکام زیباشناختی پرداخته خواهد شد. در پایان در فصل سوم، ابعاد گوناگون تاثیر آموزه های سیبلی در باب مفاهیم زیباشناختی، بر زیبایی شناسی تحلیلی معاصر، مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

فصل اول

زندگی، آثار و پیشینه ی فلسفی زیبایی شناسی

سیبلی

۱-۱) زندگی نامه

فرانک نوئل سیبلی^۱، در سال ۱۹۲۳ در لاوستافت انگلستان به دنیا آمد. او پس از اینکه مدتی به عنوان فرمانده ی تانک به کشورش خدمت کرد، به قصد مطالعه ی زبان های مدرن وارد دانشگاه آکسفورد شد. ورود وی به آکسفورد مقارن بود با آنچه از آن به عنوان «عصر طلایی آکسفورد»، یاد می شود. این عنوان ناظر بر تلاش های متفکرانی چون گیلبرت رایل^۲، جان آستین^۳، جرج پل^۴، و پل گرایس^۵ بود که آکسفورد را از خواب رخوت و کسالت بیدار کردند و هوای تازه ای در فلسفه دمیدند و نوع دیگری از فلسفه ورزی را بنیان نهادند. آشنایی با این فضای فکری جدید و نوظهور علاقه های سیبلی را شکل دادند: فلسفه ی ذهن، فلسفه ی ادراک و زیبایی شناسی.

سیبلی پس از این آشنایی، به مطالعه ی فلسفه روی می آورد و پس از گذراندن دوره ی فلسفه زیر نظر استادش گیلبرت رایل، اولین مقاله ی خود را در ۱۹۵۰ در باب کتاب مفوم ذهن رایل منتشر می کند و در آکسفورد به تدریس می پردازد. در ادامه ی کار فکری خود در سال ۱۹۵۹ اولین اثر زیباشناختی خود را با عنوان «مفاهیم زیباشناختی» منتشر می کند. این مقاله توجه بسیاری از نظریه پردازن زیبایی شناسی را به خود جلب می کند و شهرت فراوانی برای او به ارمغان می آورد.

وی بعد از آکسفورد، در دانشگاه های ییل، میشیگان، و کورنل به تدریس پرداخت. در ۱۹۶۳ به انگلستان بازگشت و رشته ی فلسفه را در دانشگاه جدید لنکستر تاسیس کرد. از این زمان به بعد، سیبلی خود را وقف دانشگاه جدید لنکستر کرد و تلاش بسیاری برای راه اندازی دپارتمان فلسفه کرد. این

¹ Frank N. Sibley(1923-1996)

² Gilbert Ryle(1900-1976)

³ J. L. Austin(1911-1960)

⁴ George Paul

⁵ H. P. Grice(1913-1988)

تلاش‌ها، منجر به ابتلای وی به افسردگی شدید و در پی آن، بیماری لوسمی شد و سرانجام مرگ او را در ۱۹۹۶ به دنبال داشت.

درباره‌ی زندگی عادی سیبلی، اطلاعات چندانی در دست نیست. اما با توجه به نکاتی که دو دوست و همکارش، کولین لیا^۱ و امیلی بردی^۲، در دو مقاله‌ی «به یاد فرانک سیبلی» (۱۹۹۶) و «درآمدی بر نگاه سیبلی» (۲۰۰۱) درباره‌ی او ذکر می‌کنند می‌توان دو نکته‌ی مهم درباره‌ی شخصیت و خلق و خوی سیبلی، ذکر کرد که خود نشان می‌دهد، چرا سیبلی در فضای فکری آکسفورد پس از جنگ که در آن به تعبیر خود وی، زیبایی‌شناسی، «سیندرلای» فلسفه محسوب می‌شد، به زیبایی‌شناسی علاقه مند شده است.

اول اینکه سیبلی «رویکردی اخلاقی»، به فلسفه و حقیقت و به عبارت دقیق‌تر یافتن امر صحیح داشت. او بیشتر از اینکه شیفته‌ی چاپ کردن و منتشر ساختن مقالات و کتاب‌ها باشد، «عاشق بحث کردن رودررو» بود و «بحث کردن برای او شکلی از انتشار بود». آنچه او دلمشغول آن بود حقیقت به معنای امر صحیح است. همین امر نیز باعث شده است، که نوشته‌های او نسبتاً اندک باشند. او خود می‌گوید زمانی که رایل در ۱۹۵۰ از او خواسته بود تا درباره‌ی زیبایی‌شناسی کتابی بنویسد، این پیشنهاد را نپذیرفته است، و در یادداشتی که برای پیترو لامارک^۳ نوشته بود دلیل آن را اینگونه بیان می‌کند: «زیرا من کاملاً از این مسئله آگاه بودم که کارهای بسیاری باید انجام می‌شد و [به همین دلیل] از چاپ کردن پروا داشتم». لیا^۱ می‌گوید سیبلی یک بار به او گفته بود که هیچ‌کس نباید مقاله‌ای را منتشر کند مگر اینکه هیچ‌کس نتواند با آن مخالفت کند. شیوه‌ی سیبلی به گونه‌ای بود که انگار «خود را بدهکار حقیقت می‌دانست». یکی از شاگردان وی تعریف می‌کند که وقتی به سیبلی گفته است که بسیار خوشحال است

¹ Colin Lyas

² Emily Brady

³ Peter Lamarque

زیرا اولین مقاله اش را منتشر کرده است، سیبلی این چنین به او پاسخ داده است: «بله، خوب است، ولی آیا [نوشتنش] ده سال طول کشید؟» (Matravers, 2003, p912) به همین دلیل است که آثار سیبلی اندکند و باز به همین دلیل است که عمده ی مقالات او «اصیل»^۱ و «بنیان برافکن»^۲ هستند.

سیبلی دلمشغول یافتن امر صحیح و حقیقت بود و از چاپ کردن خوشحال نمی شد، او از پیدا کردن حقایق صحیح درباره ی چیزهای جهان، خوشحال و سرکیف می شد. او در وهله ی اول نمی خواست دنیا را از حقایق و تئوری های خویش آگاه سازد، بلکه رانه ی اصلی او برای فکر کردن درباره ی جهان، «انگیزه ای اخلاقی»^۳ به یافتن راستی و درستی بود. این در درجه ی اول، یک ویژگی اندیشه ی فلسفی وی نیست، یک ویژگی شخصیت و منش سیبلی است. «او مردی نیکو بود».

دومین نکته ای که درباب شخصیت سیبلی می توان به آن اشاره کرد این است که سیبلی عاشق این بود که همه ی چیزها را جور دیگری ببیند و جور دیگری و با کلمات دیگری توصیف کند و به آنها از ته دل به شکلی عجیب و غریب بخندد. او عاشق کلمات بود و خندیدن و چیزهای روزمره. از منو و شیوه ی سرو غذا و چینش نخودفرنگی ها در یک رستوران سوئدی گرفته، تا جک ها و مزاح ها. واکنشش به جک ها به هیچ وجه مانند واکنش افراد عادی نبود. او برای جک ها و شوخی ها، «شهووت داشت» و آنچنان به آنها می خندید و از آنها لذت می برد که خود این وضعیت برای کسانی که همراه او بودند خنده دار بود. از غذایی که در رستوران های اسپانیایی سرو می شد، برای خودش جک می ساخت و می گفت این غذاها برای سلامت مالی انسان مضرند و سپس بلند بلند می خندید. وی روزمره ترین و عمومی ترین چیزهای ممکن را جور دیگری نگاه می کرد و آنها را لذت بخش و جذاب می یافت. در مقاله ی «مزه ها، بوها و زیبایی شناسی» اشاره می کند که بوی سیگار او را یاد صندلی چرمی

¹ Original

² Ground-breaking

³ Moral passion

پدربزرگش می اندازد. (Sibley, 2001e, p233) سیبلی عاشق کلمات بود، و «با کلمات طلسم شده بود». زیرا با آنها می توانست هر چیزی را جور دیگری ببیند. او به همه ی چیزها حتی روزمره ترینشان، جور دیگری نگاه می کرد، و نابجا نیست که بگوییم او از نگاه کردن به طبیعت، ماشین ها، خواندن متون روزنامه ها، «جک های بی مزه»، «چمنزاری که چمن هایش را سوزانده باشند»، همانقدر لذت می برد که از رفتن به کنسرت ها، گالری های نقاشی و خواندن کتاب های ادبی. سیبلی عاشق کلمات بود و حوزه ی روزمره و لذت بردن. همین علاقه های شخصی است که در زیبایی شناسی سیبلی در کنار هم جمع می آیند و «رویکردی به زیبایی شناسی» را ایجاد می کنند که در کتاب «رویکردی به زیبایی شناسی»^۱ که مجموعه ایست از همه ی مقالات زیباشناختی وی، با آن مواجه می شویم. کلمات بدل به مفاهیم و توصیفات زیباشناختی می شوند، لذت بدل به پایه ی طبیعی ذوق و چیزهای جهان بدل به حوزه ی زیبایی شناسی.

۲-۲) آثار

سیبلی در طول دوران فکری خود کتابی منتشر نمی کند و آثار او به تعداد اندکی مقاله در زمینه ی زیبایی شناسی و فلسفه ی ذهن و ادراک محدود می شود. اولین مقالات او مربوط به فلسفه ی ذهن و فلسفه ی ادراک است. در ۱۹۵۰ در «نظریه ای درباب ذهن»^۲ به بررسی انتقادی مباحث مطرح شده در «مفهوم ذهن»^۳، کتاب استادش رایل، می پردازد و نوعی رفتارگرایی پنهان در مباحث این کتاب می یابد. در ۱۹۵۵ در مقاله ی، «جستجو کردن، مورد مذاقه قرار دادن، و دیدن»^۴، به بررسی بسیار دقیق افعال

¹ Approach to Aesthetics

² A theory of mind

³ The Concept of Mind

⁴ Seeking, scrutinizing and seeing

ادراکی می پردازد. او در این مقاله به نکته ای بسیار مهم اشاره می کند: دیدن و شنیدن «افعال تحصیلی»^۱ هستند، بدین معنا که ما زمانی آنها را به کار می بریم که در فرایند ادراک، به موفقیتی دست یافته باشیم، اما در مقابل نگاه کردن و گوش دادن، «افعالی کنشی»^۲ هستند، به این معنا که ما هنگامی آنها را به کار می بریم، که بخواهیم، به خود فرایند ادراک، به مثابه ی یک کنش اشاره کنیم. به عبارت دیگر نگاه کردن یا گوش دادن، مستلزم توجهی به خود فرایند نگاه کردن و شنیدن هستند: در آنها نوعی تلاش مستتر است. همین نکته است که در مفاهیم زیباشناختی سیبلی، به شکلی دیگر ظاهر می شود: دیدن تعادل یک نقاشی یا وقار یک منظره، مستلزم ادراکی فعال و با دقت زیاد است. (Brady, 2001, p4)

مقالات سیبلی در زمینه ی زیبایی شناسی را می توان به چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

گروه اول، «مفاهیم زیباشناختی»^۳ (۱۹۵۹)، «زیباشناختی و نازیباشناختی»^۴ (۱۹۶۵)، «رنگها»^۵ (۱۹۶۷) و «عینیت و زیبایی شناسی»^۶ (۱۹۶۸) هستند، که هسته ی مرکزی مباحث آنها مستقیماً معطوف به بررسی طبیعت و ماهیت مفاهیم و احکام زیباشناختی است. «مفاهیم زیباشناختی»، اولین مقاله ی سیبلی در زمینه ی زیبایی شناسی است. قلب مباحث این مقاله، تمایزی است که وی «برای نخستین بار» میان مفاهیمی که در زبان روزمره و نیز زبان هنری، به کار می بریم، برقرار می سازد و «شهرت او نیز به خاطر مطرح کردن همین تمایز است» (Budd, 2002, p237): تمایز زیباشناختی / نازیباشناختی. در این مقاله، سیبلی نتیجه می گیرد که مفاهیم زیباشناختی، کیفیاتی ادراکی هستند. در مقاله ی «زیباشناختی و نازیباشناختی» به بررسی این مسئله می پردازد که اگر مفاهیم زیباشناختی، کیفیاتی ادراکی هستند، تکلیف اثبات و استدلال برای احکام زیباشناختی و به عبارت دیگر تکلیف نقد هنری، چه می شود. پس

¹ Achievement verbs

² Activity verbs

³ Aesthetic concepts

⁴ Aesthetic and non-aesthetic

⁵ colours

⁶ Objectivity and Aesthetics